

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هفدهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۶، ۱۳۷-۱۵۲

بررسی و نقد کتاب تاریخ آداب اللغة العربية فی العصر الحديث

محسن سیفی*

بهاره صمدی**

چکیده

کتاب تاریخ آداب اللغة العربية فی العصر الحديث، اثر نادر نظام‌تهرانی، درباره تاریخ ادب معاصر عرب نوشته شده است. در این کتاب نویسنده کوشیده، تا با بررسی رویدادها و جریان‌های ادبی معاصر و آوردن سظوری چند درباره شاعران این عصر، شمایی کلی از حیات ادبی عرب در این دوره به مخاطب ارائه دهد. بررسی و مطالعه این کتاب نشان از آن دارد که این اثر نیز، چون دیگر آثار قلمی، خالی از نقص نیست و کاستی‌هایی دارد که در چاپ‌های بعدی باید به آن توجه شود. نگارندگان در این مقاله می‌کوشند، با بررسی دقیق این اثر در رویکردی بی‌طرفانه و با رعایت اصول منطقی نقد علمی، میزان پای‌بندی نویسنده آن را به معیارهای علمی نگارش کتاب و استفاده از ابزارهای آن برای تحقق اهداف آموزشی بررسی کنند و، ضمن ارزیابی این کتاب به‌عنوان منبعی درسی براساس معیارهای منابع درسی، میزان برخورداری آن را از ویژگی‌های اثری فنی و تخصصی مشخص کنند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ آداب اللغة العربية فی العصر الحديث، تاریخ ادبیات، بررسی ساختاری، بررسی صوری، بررسی محتوایی.

۱. مقدمه

از آن‌جاکه بررسی زمان آفرینش اثر ادبی از مؤلفه‌های مهم در شناخت اثر، دریافت ویژگی‌های مختلف سبکی، تحلیل متن، و آشنایی با پدیدآورنده آن است، تاریخ ادبیات،

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، motaseifi2002@yahoo.com

** دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، b.samadi1984@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

به‌مثابه فنون اصلی ادب، همواره در مرکز توجه پژوهش‌گران بوده است و در دوره‌های زمانی مختلف بسیار بدان پرداخته شده و آثار مهمی در این حیطه به عالم ادب عرضه شده است.

تاریخ ادب معاصر عرب، به‌سبب عواملی چند، از جمله جنگ‌های جهانی، استعمار، شرایط خاص سیاسی و اجتماعی حاکم‌بر جهان عرب، آشنایی با ادبیات مغرب‌زمین، و بهره‌گیری از آرای نقدی و رویکردهای ادبی و جریان‌های فکری و فلسفی غرب، دچار تغییراتی بنیادین شد و افق‌های جدیدی پیش روی آن گشوده شد؛ رویدادهایی که نویسندگان در پژوهش درباب ادب این عصر از نظر دور نداشته‌اند.

کتاب *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث*، نوشته نادر نظام‌تهرانی، اثری با محوریت تاریخ ادب معاصر عرب است که چشم‌اندازی کلی از حیات ادبی عرب در دوران معاصر به مخاطب ارائه می‌دهد. این کتاب، با وجود اطلاعات ارزش‌مندی که در آن از ادب معاصر عربی گرد آمده است، در برخی زمینه‌ها به بازنگری و اصلاح نیاز دارد.

نگارندگان در این مقاله می‌کوشند با روش توصیفی – تحلیلی به بررسی و ارزیابی این اثر بپردازند و ویژگی‌های فنی آن را در سه سطح ساختاری و محتوایی و شکلی با طرح پرسش‌های زیر و پاسخ به آن‌ها تبیین کنند:

- کیفیت شکلی و چاپی اثر و رعایت قواعد عمومی ویرایش و نگارش چگونه ارزیابی می‌شود؟

- میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن در چه حد است؟

- میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر از جهت ارجاع به منابع جدید چگونه است و آیا نمونه‌هایی از نوآوری در این اثر وجود دارد؟ (اعم از طرح نظریه علمی جدید، ارائه ساختار علمی نو، به‌کارگیری ادبیات علمی روزآمد، طرح افقی نو و خلاقیتی ویژه، تنظیم جدید مباحث، و ...)

۲. معرفی کتاب

۱.۲ نادر نظام‌تهرانی

نادر نظام‌تهرانی، ادیب، مترجم، ناقد، و شاعر، در ۱۳۱۲ ش در دمشق متولد شد و تحصیلات ابتدایی خود را در این شهر به‌پایان رساند و در دانشگاه دمشق در رشته زبان و

بررسی و نقد کتاب تاریخ آداب اللغة العربية في العصر الحديث ۱۳۹

ادبیات عربی به تحصیل پرداخت و تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه تهران ادامه داد و در ۱۳۴۹ ش در این دانشگاه در رشته زبان و ادبیات عربی فارغ التحصیل شد و از ۱۳۴۳ ش در دانشکده ترجمه مشغول به تدریس شد و از آن پس در دانشگاه‌های متعدد به تدریس مشغول بوده و سمت‌های گوناگونی نیز برعهده داشته است.

نادر نظام‌تهرانی تاکنون خدمات علمی درخور توجه و ارزنده‌ای به رشته زبان و ادبیات عربی کرده و آثار ارزش‌مندی به دنیای ادب عرضه داشته است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- *نصوص من النظم و التشر فی العصر الجاهلی*، با همکاری سعید واعظ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
- *العروض العربی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
- *نصوص من النظم و التشر فی عصر الانحطاط*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۹.
- *تاریخ الأدب فی عصر الانحطاط*، انتشارات فرهیخته، ۱۳۸۰.
- *المختصر فی تاریخ الأدب الفارسی*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
- *التقد؛ عرض و تحلیل*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- *اللحن الخالد (دیوان شعری)*، دمشق: کرم، ۱۹۶۲.
- *نفحات شعریة (دیوان شعر)*، نشر منهای.
- *قاموس نادر*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- *تاریخ آداب اللغة العربية في العصر الحديث*، تهران: نشر منهای، ۱۳۸۷. و ... (مصطفوی‌نیا و دادفر ۱۳۸۸: ۲).

۲.۲ معرفی اجمالی کتاب

تاریخ آداب اللغة العربية في العصر الحديث نوشته نادر نظام‌تهرانی است. این کتاب در یک جلد با قطع وزیری و ۱۷۵ صفحه برای نخستین بار در ۱۳۸۷ ش توسط انتشارات فرهنگ منهای به زیور طبع آراسته شد. ناگفته نماند که در بخش کتاب‌شناسی شماره صفحه‌های کتاب ۱۶۰ صفحه درج شده است. در ادامه به ذکر نکاتی درباره کتاب می‌پردازیم.

۱.۲.۲ موضوع کتاب

موضوع کتاب، چنان‌که از عنوان آن مشخص است، بررسی تاریخ ادبیات معاصر عربی است و نویسنده سعی کرده است، ضمن مروری بر رویدادهای سیاسی این برهه از تاریخ و ذکر عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر در نهضت ادبی معاصر عرب، چشم‌اندازی از ادب عربی قرن بیستم، جریان‌های ادبی، و شاعران و ادیبان این عصر به مخاطب ارائه دهد.

۲.۲.۲ نگاهی به جنبه محتوایی کتاب

مطالب کتاب به ترتیب عبارت‌اند از: عنوان، شناس‌نامه، سخن‌ناشر، فهرست کتاب، مقدمه، متن اصلی، و مصادر و مراجع. نویسنده در مقدمه‌ای کوتاه به دوره‌های تاریخ ادب عربی نگاهی گذرا و کلی داشته است. سپس، عواملی را که در ایجاد نهضت ادبی دخالت داشته‌اند ذکر کرده و مهم‌ترین جریان‌های ادبی این عصر را برشمرده و نگاهی به شاعران و ادیبان معاصر عرب و نمونه‌های شعری آن‌ها داشته است.

۳. چالش‌های پیش روی نویسنده در تألیف درباره تاریخ ادب معاصر

نویسنده در پژوهش درباره تاریخ ادب معاصر عرب با دشواری‌هایی روبه‌روست. یکی از پژوهش‌گران در این باره چنین می‌گوید: گستره گسترده جغرافیایی جهان عرب و تحولات سیاسی و اجتماعی و فکری فراوان، گستره زمانی که از پایان قرن هجدهم تا پایان قرن بیستم را دربر می‌گیرد و نسبت به دیگر زمان‌های تاریخ ادبیات دگرگونی بیش‌تری داشته است، تأثیر از ادبیات دیگر کشورها از جمله ادب فرانسه و انگلیس، گستره وسیع انواع ادبی و مکاتب و جریان‌های فکری و شعری جدید، و شدت و سرعت دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی و اثرپذیری ادب از آن‌ها بحث درباره ادب معاصر را دشوار کرده و شاید نتوان کتابی جامع در این زمینه نوشت یا کتاب‌های موجود را قانع‌کننده دانست (میرزایی و ابویسانی ۱۳۹۳: ۵).

۴. تحلیل کتاب

در تحلیل این اثر بررسی ویژگی‌های درونی و بیرونی شایان‌توجه است که در سه سطح ساختاری و محتوایی و شکلی بررسی می‌شود.

۱.۴ تحلیل ساختاری

نویسنده باید در تألیف کتاب، افزون بر دقت در محتوا و مطالب، به انسجام و یکپارچگی اثر و نظم ساختاری آن توجه داشته باشد و مطالب را به صورت نظام‌مند و با پیروی از چارچوب و فصل‌بندی منطقی و درست ارائه دهد. نوشته باید از مقدمه‌ای کارآمد، پیش‌گفتار، فهرست مطالب، فصل‌بندی منظم و منسجم، و نتیجه‌گیری برخوردار باشد.

۱.۱.۴ نظم و انسجام منطقی کتاب

در سرتاسر کتاب و میان فصل‌ها نظم منطقی مشاهده می‌شود که نویسنده با تقلید از دیگر کتاب‌های تاریخ ادبیات، مانند *تاریخ الأدب العربي*، تألیف حنا الفاخوری، و *مجاننی شعر العربي الحديث و مدارس*، نوشته صادق خورشیا، این ترتیب را ایجاد کرده است؛ هرچند کتاب فاقد پیکره‌بندی منطقی و لایه‌بندی و شماره‌گذاری است، مطالب یکی پس از دیگری پشت‌سرهم آمده است و گاه مرزبندی مشخصی بین عنوان‌ها نیست. البته، با نگاهی به فهرست مطالب کتاب، درمی‌یابیم که نویسنده عنوان‌هایی کلی مانند «بدء النهضة الأدبية وأسبابها»، «عهد النهضة الحديثة أو الإحياء»، و «إلى أين انتهى التجديد في فترة النهضة الأدبية» آورده و در ذیل آن به جریان‌ها و رویکردهای ادبی و شاعران و ادیبان پرداخته است که به نظر می‌آید آن‌ها را فصل‌های کتاب قرار داده است؛ هرچند به این مسئله اشاره نکرده یا با لایه‌بندی و شماره‌گذاری و تبویب آن را مشخص نکرده و این موضوع باعث آشفتگی و تشویش متن شده است و خواننده در برقراری ارتباط منطقی بین مطالب با دشواری روبه‌رو می‌شود.

در این کتاب نه تنها عنوان‌ها با شماره‌بندی از یک‌دیگر مشخص نشده که اندازه قلم عنوان‌های جزئی‌تر با عنوان‌های کلی فرقی ندارد؛ بدین روی، خواننده در فهم این‌که آیا عنوان «ب» با عنوان «الف» هم‌مجموعه است یا زیرمجموعه آن به‌شمار می‌آید سردرگم می‌شود.

۲.۱.۴ مقدمه

مقدمه کتاب شامل علت برگزیدن موضوع، ذکر کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در آن موضوع به‌رشته تحریر درآمده و نقد آن‌ها، اهمیت و ضرورت تحقیق، روشی که پژوهش‌گر از آن بهره برده، و دشواری‌هایی که در این پژوهش با آن روبه‌رو بوده و نمونه‌هایی از این دست است (بطرس ۲۰۱۰: ۴۸).

مقدمه شامل شرحی اجمالی درباره مسئله بررسی شده، حدود و ارزش و کاستی‌های پژوهش‌هایی که پیش‌تر در این زمینه صورت گرفته است و نیز روش‌ها و ملاک‌ها و مفهومی‌های تازه‌ای که در پژوهش به کار رفته است. و طول مقدمه کمابیش با طول متوسط فصل‌ها برابر است (حیدری ۱۳۸۰: ۸۰).

در اثر حاضر، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، مقدمه بسیار کوتاه و کلی و فاقد شرایط علمی مقدمه کتاب است و مؤلف در حدود دوازده سطر نگاهی کلی به دوره‌های ادب عربی داشته و به مسائلی چون روش تحقیق، اهمیت و ضرورت تحقیق، پیشینه و کتبی که پیش‌تر در این باب به نگارش درآمده، و دشواری‌هایی که در مسیر پژوهش با آن روبه‌رو بوده اشاره‌ای نکرده است.

۳.۱.۴ پیش‌گفتار

موضوع پیش‌گفتار مسائل رخ داده در باب شکل‌گیری کتاب است و، در واقع، با مطالب کتاب ارتباط مستقیم ندارد و بر محور مسائل جنبی اثر می‌گردد، مانند شرایط تهیه اثر، تجدیدچاپ، و تشکر از دست‌اندرکاران. کتاب *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث* پیش‌گفتار ندارد و هیچ اطلاعاتی درباره چگونگی شکل‌گیری این کتاب در دست‌رس خواننده و مخاطب قرار نمی‌گیرد.

۴.۱.۴ نتیجه‌گیری (سخن پایانی)

از بخش‌های مهم پژوهش‌های علمی «نتیجه‌گیری» است. پژوهش‌گر در بخش «نتیجه‌گیری» مهم‌ترین دستاوردهای به دست آمده از پژوهش را می‌آورد و نتیجه‌گزینه‌های مطرح شده در سؤال‌ها و فرضیه‌های تحقیق را ذکر می‌کند. همچنین، ممکن است با اتکا بر آن‌چه در روند تحقیق به آن دست یافته به رد برخی از آرا و مسائل موجود اقدام کند یا مخاطب را درباره صحت و سقم آن‌ها به تردید اندازد یا این‌که خود نظریه بومی یا تقسیم‌بندی‌های جدیدی ارائه دهد.

درباره اثر بررسی شده باید گفت که این کتاب فاقد بخش نتیجه‌گیری، چه در پایان هر فصل چه نتیجه‌گیری نهایی، است. بدین روی، نمی‌دانیم که مؤلف به چه دستاوردهایی رسیده است.

۲.۴ تحلیل درونی یا محتوایی

در تحلیل محتوایی این کتاب، درستی یا نادرستی مطالب و کاستی‌های موجود در اطلاعات ذکر شده در متن بررسی می‌شود.

۱.۲.۴ ناقص بودن اطلاعات و تسامح در شرح برخی مطالب و روزآمد نبودن اطلاعات

گاه مؤلف درباره موضوع بحث اطلاعات کافی و وافی نداده و مطالبی را که ذکر آن ضروری می‌نماید از قلم انداخته است. در ذیل به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌کنیم:

نویسنده عوامل مؤثر در شکل‌گیری نهضت ادبی را در نیم صفحه با عنوان «بدء النهضة الأدبية و أسبابها» گذرا برشمرده است که قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد؛ زیرا این کتاب تاریخ ادبیات عصر معاصر است و عوامل شکل‌گیری این نهضت به عنوان بخشی از تاریخ این دوره و نیز عاملی مؤثر در شکل‌گیری این خیزش ادبی و فرهنگی و علمی از اهمیت بسیاری برخوردار است. گفتنی است این مسئله در همه کتاب به چشم می‌خورد و جنبه ادبی اثر بر جنبه تاریخی آن غالب است و، با توجه به این که کتاب تاریخ ادبیات است، این انتظار وجود دارد که بر رویدادهای تاریخی مؤثر در ادب این دوره بیش از این تمرکز می‌شد.

هم‌چنین، نویسنده در بررسی تأثیر اوضاع سیاسی و اجتماعی بر ادبیات معاصر عربی درباره مسئله فلسطین خوب عمل کرده است؛ اما درباره تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی در شعر لبنان و عراق و مهاجر بررسی‌ها سطحی است.

در تنظیم مطالب کتاب یک‌نواختی رعایت نشده است. برای مثال، نویسنده در شرح پیش‌گامان شعر سوریه از زرکلی، خلیل مردم‌بک، شفیق جبری، و بدوی العجیل نام برده است. سپس، بیش از نیمی از یک صفحه در توضیح خلیل‌بک آورده و بیت‌هایی از وی نقل کرده است؛ ولی به ذکر نام سه شاعر نام‌برده دیگر بسنده کرده است (نظام‌تهرانی ۱۳۸۷: ۴۶). از میان پیش‌گامان شعر عراق در آغاز نهضت نیز از الرصافی و جمیل صدقی الزهاوی فقط به ذکر نام و آوردن ابیاتی چند بسنده کرده است (همان: ۴۷). شایسته بود، با توجه به نقش پیش‌گامی این شاعران در شعر عراق، سطوری را به زندگی آن‌ها و نقششان در حیات ادبی این عصر اختصاص می‌داد.

هم‌چنین، در توضیح شاعران شعر نو به السیاب، نازک الملائکه، صفاء الحیدری، البیاتی، نزار قبانی، محمد الماغوط، و ادونیس اشاره کرده و صفحاتی چند در معرفی زندگی و حیات ادبی السیاب، نزار قبانی، و ادونیس آورده و از سه شاعر دیگر به ذکر یک یا دو مقطع

شعری اکتفا کرده است. وی بدون این‌که بر حیات شعری نازک الملائکه و نقش پیشوایی‌اش در شعر نو درنگی داشته باشد یا درباره‌ی وی اظهار نظر کند به ذکر دو مقطع شعری بسنده می‌کند. این قصور درباره‌ی بیاتی نیز به چشم می‌خورد (همان: ۱۲۴-۱۲۷). نویسنده در شرح پیش‌گامان شعر لبنان و اردن و فلسطین نیز چنین ناهم‌سان عمل کرده است (همان: ۵۰-۵۶).

از میان شاعران مقاومت فلسطین نیز از فدوی طوقان، معین بسیسو، محمود درویش، و سمیح القاسم نام برده و صفحاتی را به توضیح زندگی و شعر بسیسو، درویش، و سمیح القاسم اختصاص داده و به ذکر آوردن فدوی طوقان بسنده کرده است (همان: ۱۴۲-۱۵۲).

در توضیح مکتب کلاسیسم و رمانتیسم در کشورهای عربی از پیشوایان و شاعران نامی این مکتب‌ها نامی نبرده است (همان: ۶۲)؛ از شاعران بزرگ سمبولیسم، ادونیس و بیاتی، یاد نکرده (همان: ۱۵۵)؛ به مکتب رئالیسم و نمود آن در شعر البیاتی و نزار قبانی (همان: ۵۷) و نیز قصیده‌ی مشهور «إرادة الحياة» الشابی اشاره‌ای نکرده است. چنان‌که مشهور است، این قصیده نه‌تنها در حیات ادبی الشابی، که در شعر معاصر عرب اهمیت زیادی دارد و منتقدان ادبا در بررسی شعر معاصر عرب همواره به آن نظر داشته‌اند (همان: ۵۷-۵۸).

هم‌چنین، برخی از مسائل مهم ادب معاصر عرب هم‌چون اثرپذیری از آرای نقدی الیوت، توجه به وحدت موضوعی و وحدت ارگانیک اثر، معادل موضوعی، چندصدایی بودن اثر، بینامتنیت، توجه به نقش خواننده و متن باز، آرا و رویکردهای نقدی جدید، نقش مهم اساطیر در آفرینش‌های ادبی شاعران بزرگ عرب، و مسائلی از این دست از نظر وی دور مانده است. ناگفته نماند آرای نقدی مؤلف، به‌ویژه مسائلی که در اواخر کتاب به آن پرداخته، نسبتاً راضی‌کننده است؛ مانند صفحات ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۴۷.

نقش برخی شاعران، ادیبان، و نویسندگان در خیزش ادبی معاصر عرب مغفول مانده یا نامی از آن‌ها نیامده است. برای نمونه، می‌توان به عبدالرحمن الکوکی، محمدمهدی الجواهری، خلیل حاوی، جبرا ابراهیم جبرا، بلند الحیدری، صلاح عبدالصبور، أمل دنقل، و می‌زیاده اشاره کرد.

قصه و روایت از عناصر مهم فنون ادبی به‌خصوص در عصر معاصر است. توضیحاتی که نویسنده در صفحاتی چند درباره‌ی قصه و روایت و نمایش‌نامه آورده (همان: ۲۲-۲۹) حق مطلب را ادا نمی‌کند؛ زیرا درباره‌ی پیش‌گامان و بزرگان این فنون به ذکر نامی بسنده شده و به آثار مهم آن‌ها و بازتابی که در حیات ادب داشته اشاره‌ای نشده است. از برخی بزرگان

از جمله منفلوطی نیز نامی نبرده است؛ در حالی که جای جای کتاب انباشته از ابیات و نمونه‌هایی است که گاه نویسنده به تحلیل آن‌ها اقدام کرده است. از آن‌جا که این کتاب تاریخ ادبیات است نه متون و تحلیل متن و با توجه به حجم کتاب، این تعداد زیاد از نمونه‌های شعری غیر ضروری می‌نماید و شایسته‌تر بود حجمی که به این اشعار اختصاص داده شده صرف مطالب ضروری‌تر، از جمله موضوعاتی اشاره شده در قبل، می‌شد.

روزآمد نبودن مطالب به خصوص در مبحث نثر حدیث نیز درخور توجه است. نویسنده به مهم‌ترین نویسندگان نپرداخته است. شایسته بود، با توجه به عنوان گسترده کتاب، به شاعران مشهوری چون ممدوح عدوان، محمد عمران، و نویسندگانی مشهور چون عبدالرحمن منیف، حنا مینه، غادة السمان، و آثارشان نیز می‌پرداخت. می‌توان گفت تا صفحه ۱۱۳ کتاب مطالب کهنه و تکراری و تقلیدی است. از مهم‌ترین نویسندگان و شاعران زن مانند سعاد الصباح و غادة السمان سخنی به میان نیامده است. درباره ادبیات علمی - تخیلی و شگرف نیز هیچ مطلبی نیست؛ در صورتی که از انواع ادبی مهم در عصر حدیث است، مانند آثار طالب عمران.

در پایان، باید گفت در این اثر نمونه‌هایی از نوآوری (اعم از طرح نظریه علمی جدید، ارائه ساختار علمی نو، به کارگیری ادبیات علمی روزآمد، طرح افقی نو و خلاقیتی ویژه، و تنظیم جدید مباحث) وجود ندارد و حتی در تنظیم مباحث کتاب شاهد نوآوری نیستیم چه رسد به محتوای کتاب. فقط در بحث شاعران مقاومت نویسنده خواسته به تنظیم جدیدی دست بزند که در این نیز جای نقد وجود دارد و شاعرانی چون ادونیس و نازک الملائکه پیشوایان شعر مقاومت نیستند (همان: ۱۲۴، ۱۳۵).

۲.۲.۴ نادرستی مطالب

برخی از مطالب کتاب نادرست به نظر می‌رسد و با نقل کتاب‌های پُرمرآه تاریخ ادبیات عرب مطابقت ندارند و، از آن‌جا که نویسنده در ذیل آن‌ها به منابع مراجعه شده اشاره‌ای نکرده، مشخص نیست که آن‌ها را از کجا گرفته است. بنابراین، خواننده در صحت و سقم مطالب دچار تردید می‌شود. برای نمونه، سال تولد بارودی را ۱۸۴۰ دانسته (همان: ۳۵)؛ حال آن‌که در کتاب‌های دیگر سال تولد وی را ۱۸۳۸ دانسته‌اند (الفاخوری ۱۳۸۰: ۹۵۹؛ ضیف بی تا: ۸۳). هم‌چنین، سال تولد احمد شوقی را ۱۸۶۸ نوشته؛ حال آن‌که شوقی ضیف وی را متولد ۱۸۶۹ می‌داند (نظام‌تهرانی ۱۳۸۷: ۱۱۰). نیز مطران را متولد ۱۸۷۱ نوشته (همان: ۵۱) که مؤلفان دیگر سال ۱۸۷۲ را سال تولد وی می‌دانند (ضیف بی تا: ۱۲۱؛ الفاخوری ۱۳۸۰: ۱۰۱۷).

هم‌چنین، محل نشر روزنامه حقیقه‌الآخبار را سوریه و روزنامه الجوائب را قسطنطنیه می‌داند (نظام‌تهرانی ۱۳۸۷: ۱۷)، که با ضبط الفاخوری متناقض است و، بنابر گفته وی، اولی در بیروت و دومی در استانبول چاپ می‌شده است (الفاخوری ۱۳۸۰: ۹۱۰). حتی اگر ضبط شوقی ضیف و الفاخوری نادرست باشد و در نمونه‌های فوق ضبط نویسنده صحیح باشد، بهتر بود به این اختلاف و نیز منبعی که آن‌ها را از آن نقل کرده اشاره‌ای می‌کرد. نیز، همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، شاعرانی چون ادونیس و نازک الملائکه را در شمار شاعران مقاومت آورده است (همان: ۱۲۴، ۱۳۵).

۳.۲.۴ میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست آن

میزان انطباق محتوای اثر با عنوان آن ضعیف است؛ زیرا عنوان کتاب تاریخ آداب اللغة العربیه فی العصر الحدیث است که شایسته است محتوا شامل بررسی نظم و نثر معاصر عربی باشد؛ اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، مؤلف به بررسی نثر معاصر نپرداخته است؛ در نتیجه، نزدیک به نیمی از محتوا ناقص است و، به عبارتی دیگر، عنوان با محتوا هم‌خوانی ندارد و عنوان مناسب «تاریخ الشعر العربی المعاصر» است! میزان انطباق محتوای اثر و مطالب آن با عنوان‌های درج‌شده در فهرست کتاب هم‌خوانی دارد و مناسب ارزیابی می‌شود.

۴.۲.۴ میزان تناسب و جامعیت محتوای اثر با توجه به اهداف درس مدنظر

محتوای اثر حاضر با اهداف درس مدنظر تناسب کمی دارد و از لحاظ جامعیت دربردارنده اهداف درس تاریخ ادبیات عربی معاصر ۱ و ۲ نیست؛ زیرا به نثر، قصه، رمان، اسطوره در شعر، و بسیاری مطالب دیگر نپرداخته است.

۵.۲.۴ میزان انطباق مطالب اثر با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم

کتاب بررسی شده تاحدی با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم منطبق است؛ اما پیش‌نهاد می‌شود مباحث ذیل اضافه گردد تا بر پُرباری و غنای آن افزوده شود:

- پرداختن به مهم‌ترین تحولات تاریخی این عصر و رویدادهای تاریخی مؤثر در شکل‌گیری نهضت ادبی؛
- سیر تحول نثر (قصه، قصه کوتاه، رمان)؛
- بزرگ‌ترین داستان‌نویسان؛

- اسطوره‌گرایی و بزرگ‌ترین شاعران اسطوره‌گرا (البیاتی، السیاب)؛
- بررسی شعر عربی معاصر در الجزایر؛
- نگاهی به دیگر رویکردها و جریان‌های ادبی معاصر، مانند معادل موضوعی، بینامتنیت، مکتب‌های نقدی، و

۳.۴ تحلیل بیرونی یا شکلی

در بررسی صوری و ظاهری کتاب مسائلی چون قلم نوشتن، حروف‌چینی، صفحه‌آرایی، ویژگی‌های چاپی، پانوشت‌ها، و نمونه‌هایی از این دست بررسی می‌شود.

۱.۳.۴ قواعد عمومی ویرایش و نگارش و کیفیت چاپی اثر

نخستین مسئله‌ای که با گشودن کتاب به چشم می‌خورد، قلم درشت و برجسته‌تر از حد معمول آن است که نه تنها زیبایی صوری اثر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه باعث ملال خواننده نیز می‌شود و توجه به این موضوع در چاپ‌های بعدی کتاب ضروری است.

کیفیت شکلی و چاپی اثر، از لحاظ حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی، تاحدودی راضی‌کننده است؛ ولی از نظر صحافی مناسب ارزیابی نمی‌شود. روی جلد، عنوان کتاب، و نام نویسنده «للدكتور نادر نظام طهرانی» آمده است و از طرح روی جلد خاصی استفاده نکرده است. براساس قوانین ویرایش و درست‌نویسی، روی جلد عنوان اصلی و فرعی نام نویسنده می‌آید و عنوان‌هایی چون مؤلف، نویسنده، آیت‌الله، و دکتر ... نمی‌آید. (باقری ۱۳۹۳: ۴۸). در صفحه عنوان، عنوان اصلی و فرعی و نام نویسنده بدون ناشر می‌آید (همان). در صفحه عنوان این کتاب این مسئله رعایت نشده و به ذکر نام کتاب بسنده شده است.

قلم نویسنده رسا و روان است. هم‌چنین، قواعد عمومی ویرایش و نگارش در این اثر مطلوب و مناسب و به‌درستی رعایت شده است؛ به‌طوری‌که خواننده با مشکلی روبه‌رو نمی‌شود. البته، ارزیابی دقیق و علمی این مقوله به شیوه‌نامه‌ای جامع درباره قواعد ویرایش و نگارش نیاز دارد که مختص زبان عربی باشد و از طرف فرهنگستان‌های زبان عربی مصوب شده باشد؛ چنان‌که درباره قواعد ویرایش و نگارش زبان فارسی موجود است. هم‌اکنون چنین شیوه‌نامه‌ای در دسترس نیست.

در بررسی کلی کتاب برخی اشکال‌های نگارشی و ویرایشی و چاپی به چشم می‌خورد؛ مانند تفاوت نگذاشتن بین همزه قطع و وصل، نگارش نادرست «ی» و «ة»، استفاده بی‌جا از

سکون، و مستعمل نبودن برخی واژگان. البته، این تعداد زیاد نیست و جز در برخی مواضع در فهم کتاب خدشه‌ای وارد نمی‌کند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

«سعدالدین تفتزانی» (نظام‌تهرانی ۱۳۸۷: ۱۸)؛ صحیح: تفتزانی.

«افتصر» (همان: ۳۲)؛ صحیح: اقتصر.

«خلّاق نثر شعری» (همان: ۸۱)؛ صحیح: مبدع.

«الطارقین للشر الحر أو القصيدة النثر» (همان: ۱۱۶)؛ صحیح: و. چراکه شعر حر با قصیده‌النثر تفاوت دارد.

«لعنا» (همان: ۱۵۰)؛ صحیح: لعننا.

«انخفاض» (همان: ۱۵۱)؛ صحیح: انخفاض.

«فطرّق الشعراء» (همان: ۱۶۱)؛ صحیح: فَنَطَرَّقَ. و ...

مؤلف در برجسته‌کردن نام اعلام و کتاب‌ها یک‌نواختی را رعایت نکرده است؛ وی معمولاً نام اعلام را برجسته نکرده است؛ اما نام احمد شوقی را (که پیش‌تر نیز ذکر کرده و وی را معرفی کرده است) هم با کشیدن خط هم با پُررنگ و درشت‌کردن (همان: ۱۵۸) و نام عزیز اباطه را با کشیدن خط مشخص کرده است (همان: ۱۵۹).

معادل خارجی اصطلاحات و ضبط لاتین اعلام در پانویست می‌آید (سمعی گیلانی ۱۳۷۸: ۱۱۱)؛ اما در کتاب بررسی‌شده به‌هیچ‌روی این مسئله رعایت نشده و معادل لاتین شاعران و ادیبان ذکر نشده است (برای نمونه، بنگرید به نظام‌تهرانی ۱۳۸۷: ۱۲، ۲۲، ۷۲، ۷۶، ۸۳، ۱۰۵).

بین آخرین سطر صفحه و عبارت پانویست باید فاصله یا خط فارق باشد (سمعی گیلانی ۱۳۷۸: ۱۱۱-۱۱۲). این مسئله گاه رعایت نشده است (نظام‌تهرانی ۱۳۸۷: ۷۲).

۲.۳.۴ استناد

امروزه، استناد رکن اساسی نگارش علمی است و کسی نمی‌تواند بی‌نیاز از دانش تولیدشده پیشینیان دانشی جدید بیافریند. اخلاق علمی حکم می‌کند که منبع مرجع استفاده‌شده به‌درستی ذکر شود و اصل امانت‌داری در منبع‌دهی مراعات شود (میرزایی و ابویسانی ۱۳۹۳: ۱۱). در بررسی مسئله استناد در این کتاب نکات زیر یادکردنی است:

باید گفت که نویسنده اصل امانت‌داری و دقت را در منبع‌دهی رعایت نکرده است و ارجاعات و استنادات در این کتاب با اصول منبع‌دهی علمی چندان مطابقت ندارد؛ چه در

نمونه‌های نه‌چندان اندک مشاهده می‌شود که مؤلف درباره موضوعی سخن می‌راند بدون این‌که به منبع مورد مراجعه اشاره‌ای داشته باشد و خواننده می‌پندارد این مطالب سخنان خود اوست (برای نمونه، بنگرید به نظام‌تهرانی ۱۳۸۷: ۱۷-۲۱، ۲۴-۳۳، ۸۶-۹۱، ۹۲-۹۵، ۹۶-۹۹، ۱۰۲-۱۰۵، ۱۰۷-۱۰۹، ۱۱۲-۱۱۵، ۱۵۷-۱۵۸، ...).

گفتنی است نویسنده کتاب گاه در میان چندین صفحه، که مطالب آن بدون ارجاع آمده، سخنانی از دیگر ادبا و نویسندگان نقل و منبع آن را ذکر کرده است و باز این گمان به وجود می‌آید که، به جز آن نقل قول کوتاه، سایر سطور (سطور پیش و پس از نقل قول) از سخنان خود وی است (همان: ۲۰، ۲۳).

بی‌دقتی در منبع‌دهی شامل ابیات و اشعار نقل شده در متن نیز هست و در مواضع متعدد مشاهده می‌شود که اشعار را به دیوان شاعر ارجاع نداده است (همان: ۳۱-۳۳، ۳۶-۳۸، ۳۹-۴۲، ۴۳-۴۶، ۱۵۳، ...).

افزون‌براین، گاه نویسنده نقل قول‌های مستقیم را بدون ذکر نام گوینده آورده است؛ برای نمونه، در صفحات ۳۸ و ۳۹ سخنی از حافظ ابراهیم درباره شوقی نقل کرده بدون این‌که به منبع آن اشاره‌ای کرده باشد.

مؤلف در ذکر منابع درون متن هم‌سان عمل نکرده است. وی اشعار برگرفته از دیوان شوقی، بارودی، و حافظ ابراهیم را به دیوان ارجاع نداده است؛ حال آن‌که اشعار دیگر شاعران از جمله الرصافی و الزهاوی را به دیوان ارجاع داده است. این یک‌نواخت‌نبودن در ذکر اطلاعات نشر نیز به چشم می‌خورد. گاه در ارجاع درون متن به ذکر نام نویسنده و نام کتاب و شماره صفحه بسنده شده (همان: ۴۰) و گاه کل اطلاعات نشر اعم از نام نویسنده، نام کتاب، سال نشر، محل نشر، و نام ناشر آمده است (همان: ۴۹). هم‌چنین، فهرست منابع پایان کتاب بسیار آشفته است و مؤلف در ذکر اطلاعات نشر (پدیدآور، کتاب، محل نشر، انتشارات، سال نشر) یک‌نواخت عمل نکرده است؛ گاهی نخست نام پدیدآور و گاه نخست نام اثر را ذکر کرده است. گاه به نام پدیدآور (منبع شماره ۵ و ۳۵ و ۳۸) و گاه به نام منبع (شماره ۱۶) و گاه به محل نشر (شماره ۴ و ۶) و گاه به انتشارات (شماره ۱) اشاره نشده است. معمولاً، هنگامی که محل و سال طبع اثر استفاده شده مشخص نیست با «د. م.» و «د.» بدان اشاره می‌شود.

در صفحه ۴۰ سطوری از کتاب شوقی شاعر العصر الحديث آورده و به علت نبستن گیومه این گمان به وجود می‌آید که نقل قول هم‌چنان ادامه دارد.

معمولاً، وقتی نویسنده دو بار پشت‌سرهم به یک منبع مراجعه می‌کند از ذکر دوباره نام مرجع خودداری می‌کند و ترکیب‌هایی چون «المصدر نفسه»، «المصدر السابق»، و «نفس المصدر» را می‌آورد؛ ولی مؤلف در هر دو ارجاع نام کتاب را به صورت کامل ذکر می‌کند (همان: ۶۳، ۷۰، ۱۰۳، ۱۲۱).

نویسنده در گردآوری این اثر از ۳۸ منبع بهره برده است. شاید بتوان گفت که این تعداد از منابع با توجه به گستردگی ادب عصر معاصر خواه از نظر وسعت جغرافیایی جهان عرب، خواه گستردگی زمانی، خواه جریان‌های ادبی و مکاتب گوناگون اندک است؛ به خصوص آن‌که تعداد زیادی از این منابع دیوان‌های شعری شاعران یادشده در کتاب است و از منابع تحقیقی و نقدی کمی استفاده شده است. برخی منابع استفاده شده از کتاب‌های معتبر در زمینه تاریخ ادبیات معاصر عربی است، مانند منبع شماره ۲۳ و ۲۹؛ اما منابع معتبر و تخصصی‌تری نیز وجود دارد که نویسنده از آن بهره نبرده است. هم‌چنین، مراجعه مؤلف به مقاله‌های علمی بسیار ناچیز است. مراجعه به کتاب‌هایی مانند *الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث* نوشته سلمی الخضراء الجیوسی، *الشعر العربي المعاصر، قضايا و ظواهره الفنية والنقدية* نوشته عزالدین اسماعیل، *اتجاهات الشعر العربي المعاصر* تألیف احسان عباس، *شعرنا الحديث الى أين* از غالی شکری، *دراسات في الأدب المعاصر* مصطفی هداره، *التقديم والجديد في الشعر العربي الحديث* تألیف واصف ابوالشباب، و *في النقد والأدب* (ج ۴ و ۵) تألیف ایلیا حاوی بر پرباری هرچه بیش‌تر این اثر می‌افزود.

نیز گاه منابع استفاده شده در متن را در فهرست منابع نیاورده است، مانند شوقی شاعر عصر الحديث صفحه ۴۰، دیوان الهوی و الشباب صفحه ۵۰، دیوان أغانی الحیاة صفحه ۵۷، دیوان عبدالرحمن شکری صفحه ۶۶، دیوان المازنی صفحه ۶۸، الشعر غایاته و وسائله صفحه ۷۵، دیوان الجداول ایلیا ابوماضی صفحه ۹۰، و ...

۳.۳.۴ جامعیت صوری اثر

در بررسی جامعیت صوری اثر پژوهشی نکات زیر مدنظر قرار می‌گیرد:

جدول ۱

فهرست		نتیجه و جمع‌بندی		خلاصه		تمرین و آزمون
منابع	موضوعی	اعلام	فصول	کلی	فصول	
*	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	دارد	ندارد

همان‌گونه‌که جدول نشان می‌دهد، اثر از جامعیت صوری ضعیفی برخوردار است و نویسنده از مؤلفه‌های جامعیت صوری (ابزارهای علمی لازم مانند طرح بحث مقدماتی، نتیجه و جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، جدول، و نمودار) بهره نگرفته است؛ هرچند موضوع پژوهش به استفاده از ابزارهایی چون تصویر و نقشه نیازمند نیست؛ ولی استفاده از دیگر ابزارهای علمی مانند طرح بحث، نتیجه و جمع‌بندی، پرسش و آزمون، و فهرست موضوعی و اعلام بر پُرباری هرچه بیش‌تر اثر می‌افزود.

۵. میزان ارتباط و چالش مفاد اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی

در اثر حاضر هیچ‌گونه ناسازگاری با مبانی و اصول دینی و اسلامی مشاهده نشد و رویکرد کتاب در تضاد و تناقض با ارزش‌های اسلامی نبوده است و نویسنده با پرداختن به ادبیات متعهد (مقاومت) از زاویه تعهد به شاعرانی چون نزار قبانی پرداخته است که جای تحسین دارد و می‌توان مطرح کردن مباحثی چوت شاعران مقاومت فلسطین را جزو رویکرد انسانی - اسلامی کتاب به‌شمار آورد.

۶. نتیجه‌گیری

در بررسی کلی کتاب تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث، نوشته نادر نظام‌تهرانی، به نکات زیر دست یافتیم. توجه به این نکات در چاپ‌های بعدی کتاب ضروری است:

- قلم درشت‌تر از اندازه و برجسته کتاب تأثیر نامطلوبی در کیفیت شکلی اثر گذاشته است.
- عنوان اثر، تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث، در مخاطب این انتظار را به‌وجود می‌آورد که این اثر اطلاعات جامع و کاملی از تاریخ ادب این دوره، جریان‌های ادبی، رویکردهای نقدی، مکتب‌های ادبی نوین، و انواع ادبی ارائه دهد. ولی، چنان‌که گذشت، محتوای کتاب چندان با عنوان و پیش‌فرض‌های آن هماهنگی ندارد. به کاستی‌های اثر در این‌باره مفصل پرداختیم.
- منابع و کتاب‌های استفاده‌شده از لحاظ کمیت چندان مطلوب ارزیابی نمی‌شود؛ چه نویسنده از کتاب‌های تحقیقی کمی در زمینه ادب معاصر بهره برده است و مراجعه وی به مقاله‌های علمی انگشت‌شمار است.

- کتاب از نظر ساختاری مطلوب ارزیابی نمی‌شود و فاقد لایه‌بندی و فصل‌بندی و نظم منطقی است و مقدمه‌ای کارآمد و پیش‌گفتار و نتیجه‌گیری، که از شرایط نخست تألیف علمی است، ندارد.
- نویسنده در پاره‌ای موضوعات حق مطلب را ادا نمی‌کند و اطلاعات کافی ارائه نمی‌دهد؛ هم‌چنین، میان مطالب هماهنگی وجود ندارد. چنان‌که گذشت، درباره بعضی شاعران چندین صفحه توضیح آورده و درباره بعضی دیگر فقط به نمونه شعری بسنده کرده است.
- در برخی صفحات اصل امانت‌داری در ارجاع‌دهی رعایت نشده و در بسیاری از مواقع به منبع استفاده‌شده اشاره‌ای نشده است.
- اختصاص حجم زیادی از کتاب به نمونه‌های شعری و پرداختن به برخی از مطالب ضروری منطقی نیست و این‌همه و مطالبی که پیش‌تر گذشت ضرورت اصلاح و بازنگری در این کتاب را بیش‌تر می‌کند.
- اثر بررسی‌شده، با شرایط کنونی، برای استفاده به‌عنوان منبع درسی مناسب نیست و به بازنگری، شرح و تفصیل، و افزودن برخی مسائل نیاز دارد که در متن مقاله و بخش دوم نتیجه‌گیری مفصل درباره آن سخن رانندیم.

کتاب‌نامه

- باقری، محمد مهدی (۱۳۹۳)، *درس‌نامه کارگاه ویرایش و درست‌نویسی*، تهران: مؤسسه ویراستاران حرفه‌ای پارس.
- بطرس، انطونیوس (۲۰۱۰)، *المساعد فی کتابة البحوث*، لبنان: المؤسسة الحدیثة للکتاب.
- حیدری، غلام‌رضا (۱۳۸۰)، *آیین نگارش ۲*، زنجان: نیکان کتاب.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۷۸)، *آیین نگارش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ضیف، شوقی (بی‌تا)، *الأدب العربی المعاصر فی مصر، القاهرة: دار المعارف*.
- الفاخوری، حنا (۱۳۸۰)، *تاریخ الأدب العربی*، تهران: توس.
- مصطفوی‌نیا، سیدمحمدرضی و حمید دادفر (۱۳۸۸)، «وقفه مع الأدیب الایرانی نادر نظام‌طهرانی و تحلیل شعره»، *التراث الأدبی*، س ۱، ش ۴.
- میرزایی، فرامرز و حسین ابویسانی (۱۳۹۳)، «تحلیل انتقادی کتاب *الاتجاهات والحركات فی الشعر العربی الحدیث*»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، دوره ۱۴، ش ۳۳.
- نظام‌تهرانی، نادر (۱۳۸۷)، *تاریخ آداب اللغة العربیة فی العصر الحدیث*، تهران: منہاج.